

Comparative Studies of Political Fields and International Adjudication of State Responsibility in the Environment

*Niloofar Soleimani Mojarad*¹

Ali Poorghasab Amiri^{2*}

*Alireza Jahangiri*²

*Ahmadreza Behniafar*²

1. Doctoral Student, Department of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Public International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

Email: aliamiri20@yahoo.com Received: 04.03.2023 Acceptance: 19.05.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2821-1294

<https://journalspsich.com>

Vol. 2, No 1, Pp: 184-206

Spring 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Soleimani Mojarad, N., Poorghasab Amiri, A., Jahangiri, A., & Behniafar, A. (2023). Comparative Studies of Political Fields and International Adjudication of State Responsibility in the Environment, *spsich*, 2(1): 184-206.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

(CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The aim of this research is to conduct comparative studies of political and international fields regarding state responsibility in the environment. This research has been conducted using a descriptive-analytical method through library research and note-taking. The most important issue in having a healthy environment is informing citizens about it. In the Constitution of the Islamic Republic of Iran, although the right to a healthy environment has not been explicitly stated, the context of Article 50 is such that by providing a broad interpretation, the contents of this right can be deduced from the principle's substance. According to some legal scholars in the field of environmental law, the phrases environmental protection, public duty, and the prohibition of economic and other activities that lead to environmental pollution or irreparable damage, as stated in Article 50 of the Constitution, are considered by the legislator to implicitly recognize the right to a healthy environment in which current and future generations can have a growing social life. Therefore, it can be said that according to the Constitution, everyone has the right to enjoy clean air and to combat air pollution.

Keywords: *Political fields, International, State responsibility, Environment.*

مطالعات تطبیقی حوزه‌های سیاسی و داوری بین‌المللی مسئولیت دولت در محیط زیست

نیلوفر سلیمانی مجرد^۱
علی پورقصاب امیری*^۲
علیرضا جهانگیر^۲
احمدرضا بهنیا فر^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران
۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

aliamiri20@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

چکیده

هدف از این پژوهش مطالعات تطبیقی حوزه‌های سیاسی و بین‌المللی مسئولیت دولت در محیط زیست است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به شیوه کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری انجام شده است. مهمترین مسئله در برخورداری از محیط زیست سالم، اطلاع رسانی آن به شهروندان است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گرچه اصل حق بر محیط زیست سالم به صورت صریح قید نگردیده است، اما سیاق اصل ۵۰ به گونه‌ای است که می‌توان با ارائه تفسیر موسع، مفاد این حق را از محتوای اصل استنتاج نمود. به نظر برخی از حقوقدانان در حوزه حقوق محیط زیست، عبارات حفاظت محیط زیست، وظیفه عمومی و ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند، مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی را دال بر آن دانسته اند که قانونگذار اساسی با مفروض تلقی نمودن محیط

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
<https://journalspsich.com>
دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۲۰۶-۱۸۴
بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(سلیمانی مجرد و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

سلیمانی مجرد، نیلوفر، پورقصاب امیری، علی، جهانگیری، علیرضا، و بهنیا فر، احمدرضا. (۱۴۰۲). مطالعات تطبیقی حوزه‌های سیاسی و داوری بین‌المللی مسئولیت دولت در محیط زیست. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۱): ۲۰۶-۱۸۴.

زیست سالم که نسل امروز و نسل‌های آتی در آن می‌توانند حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند، به صورت ضمنی به عنوان حق پذیرفته است. بنابراین می‌توان گفت بر طبق قانون اساسی، همه افراد، حق برخورداری از هوای سالم و مقابله با آلودگی هوا را دارا باشند.

کلیدواژه‌ها: حوزه‌های سیاسی، بین‌المللی، مسئولیت دولت، محیط

زیست.

مقدمه و بیان مسئله

محیط زیست از نظر لغوب از دو کلمه محیط و زیست تشکیل شده است. معنای زیست واضح است، اما محیط، کلمه‌ای فراگیر است که هم در معنای فاعلی و هم در معنای مفعولی به کار برده می‌شود. در اصطلاح فوق معنای فاعلی مدنظر است و تحت عنوان احاطه کننده معنا می‌شود. با اندکی تامل در می‌یابیم که محیط زیست یعنی احاطه کننده حیات و زندگی. هر آنچه زندگی و حیات بشری را در بر می‌گیرد اعم از اینکه طبیعی باشد و یا ساخته دست بشری باشد، بر آن محیط زیست اطلاق می‌گردد. در فرهنگ لغت‌های جدید، خاصه فرهنگ لغت‌های اواخر قرن نوزدهم میلادی، لغت محیط را به معنای اصطلاح محیط زیست ترجمه کرده اند. تمامی عناصر چهارگانه هستی، از آب، باد، خاک و آتش تا جزئیات و مشتقات هر کدام از آنها، در مسیر حیات بشری نباید مورد تعرض قرار بگیرند و در کنش و واکنش آنها تغییر و تحول پدید آید. (جلالین، ۱۳۹۵) تعریف حقوقی محیط زیست به ترسیم قلمرو موضوع، تعیین اعمال قواعد حقوقی و برقراری حدود مسئولیت در صورت بروز خسارت کمک می‌کند. واژه محیط زیست از کلمه باستانی فرانسوی (environner) به معنی احاطه کردن گرفته شده است. با کاربرد موسع واژه احاطه، محیط زیست می‌تواند شامل مجموع شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گردد که بر حیات فرد یا اجتماع اثر می‌گذارد. پس مشکلات زیست محیطی می‌توانند شامل گرفتگی ترافیک، جرم و آلودگی صوتی شوند. از نظر جغرافیایی، محیط زیست می‌تواند برای اشاره به ناحیه‌ای محدود و یا اشاره به کل سیاره از جمله هواسپهر (جو) و پوش سپهر مورد استفاده قرار گیرد. در پاره‌ای از شرایط حقوق و سیاست هم به تخریب‌های محیط زیست ناشی از رویدادهای طبیعی و هم به تخریب‌های ناشی از مداخلات انسانی پاسخ می‌دهند. (عبدالهی، ۱۳۹۶)

مفهوم توسعه پایدار، فرآیند پیشرفته‌ای است که بدون کاهش توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان، نیازهای نسل کنونی را تامین می‌کند، به عبارت دیگر فراهم کردن فرصت زیستن برای همه و همیشه روی کره زمین است. امروزه توسعه

پایدار از اساسی ترین موضوعات حقوق بین الملل محیط زیست به شمار می‌رود و بدون تردید از آن می‌توان به عنوان اصلی ترین هدف تدوین و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست نام برد. از طرفی حقوق محیط زیست نیز ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است. اهمیت این مسئله تا جایی است که جهان شاهد تحول این شاخه حقوقی به حقوق بین الملل توسعه پایدار است. توسعه پایدار به معنی فرآیند توسعه‌ای که ضمن حفاظت از محیط زیست و مدنظر قرار دادن نیازهای نسل‌های آینده، نیاز نسل حاضر را تامین می‌کند، مستلزم حفاظت از محیط زیست است. توجه به توسعه پایدار به عنوان یک هدف، در تعداد زیادی از اسناد و معاهدات بین المللی در خصوص محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. بیانیه‌های استکهلم و ریو، دست یابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط زیست عنوان نموده و دستور کاری برای توسعه نیز این دو مفهوم را از یکدیگر غیر قابل تفکیک دانسته است. (پور هاشمی و ارغند، ۱۳۹۶)

بی‌گمان یکی از موضوعات رایج و متداول قرن حاضر ملی کردن اموال و دارایی‌های خصوصی اشخاص توسط دولت است. هرچند انگیزه و هدف نظام‌های مختلف سیاسی-اقتصادی در این امر متفاوت بوده است، کشورهایی چون فرانسه، انگلیس با نظام اقتصاد سرمایه داری ملی، در مقطع پس از جنگ جهانی دوم به ملی کردن بخشی از سرمایه‌های خصوصی در برخی رشته‌های کلیدی اقتصاد و بازرگانی خود مبادرت ورزیدند تا از آثار مخرب بحران‌های عظیم اقتصادی و نیز متلاشی شدن نظام سرمایه داری حاکم مصون بمانند. حال آنکه در برخی کشورها ملی کردن اموال خصوصی به انگیزه تغییر بنیادین نظام اقتصادی کشور و نیل به نظمی نوین در روابط اقتصادی - اجتماعی صورت پذیرفته است.

به طور کلی در مواردی که موضوع ملی کردن، حقوق و اموال بیگانگان می‌باشد ملی کردن علی‌رغم اینکه از مصادیق بارز اعمال حاکمیت ملی دولت است، ابعاد بین المللی یافته و در عرصه حقوق بین الملل نیز مطرح می‌گردد. امروزه نهاد ملی کردن به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده بین المللی تثبیت شده اما آنچه مورد چالش است نحوه ملی کردن بویژه غرامت دهی است که یکی از مقوله‌های بحث

برانگیز را بین کشورهای در حال توسعه و پیشرفته صنعتی تشکیل می‌دهد. حاکمیت بر منابع طبیعی و چگونگی بهره‌برداری از آن یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل می‌باشد. جامعه بین‌المللی متشکل از دولت-ملت‌هایی است که به اشکال مختلف با یکدیگر ارتباط دارند. این ارتباطات در مواردی در قالب همکاری و در مواردی نیز در قالب رقابت تعریف می‌شود. کسب ثروت یکی از دغدغه‌های دولت‌ها می‌باشد که از یک سو به همکاری آن‌ها وابسته است و از سوی دیگر زمینه‌های رقابت را فراهم می‌سازد. دسترسی به منابع طبیعی گرانبها یکی از بسترهای کسب ثروت می‌باشد و کسب ثروت از یک سو می‌تواند زمینه ساز توسعه اقتصادی داخلی کشورها را فراهم سازد و از سوی دیگر قدرت تاثیرگذاری آن‌ها را در جنبه‌های مختلف مناسبات آن‌ها با سایر بازیگران بین‌المللی تحت تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر توسعه پایدار مستلزم بهره‌مندی از منابع موجود در عین توجه به منابع متعلق به نسل‌های آتی می‌باشد. تنوع موضوعاتی که به بهره‌برداری از این سنگ‌ها و فلزات مرتبط می‌شود، ایجاب می‌کند تا یک رژیم حقوقی مستقل برای بهره‌برداری از این منابع طبیعی نیز پیش‌بینی شود. با وجود اهمیت این امر تحقیقات در این خصوص بسیار ضعیف می‌باشد. همین امر ایجاب می‌کند تا تحقیقی برای شناسایی ابعاد حقوقی مرتبط با بهره‌برداری از این منابع طبیعی انجام پذیرد تا ابعاد آن را مشخص نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از آنجا که حمل و نقل کالا نقش مهمی در زندگی اقتصادی ملت‌های مختلف دارد و ستون فقرات و سنگ بنای جنبش تجارت خارجی است، بدون تردید مسئولیت حامل‌های دریایی سنگ بنای این قانون است، و از مهمترین موضوعات آن می‌باشد. به منظور حصول اطمینان از مسئولیت حامل، نیاز به مقررات بین‌المللی و داخلی حاکم بر مفاد این مسئولیت بود، تنظیم مقررات قانونی مسئولیت حمل و نقل دریایی تحت مراحل توسعه یافت که در پایان قرن ۱۸ شروع شد که عدم تعادل در قرارداد حمل و نقل دریایی آغاز شد، و زمانی که مشکل توزیع خطرات حمل و

نقل بین حمل کنندگان و باربرها نمایان گشت، که بدلیل برقرار شدن شرایط کنوانسیون قوانین حاکم بر اساس اصل اراده قدرت و آزادی قراردادی را تغییر می‌دهد. موضوعی که کفه ترازوی حامل‌ها را به حساب باربرها بالا برده بود، که از طریق مداخله قانونی درخواست حفاظت کرده بودند، بنابراین در این راستا، قانون هارتر ۱۸۹۳، پیمان بروکسل ۱۹۲۴، کنوانسیون هامبورگ ۱۹۷۸ و در آخر پیمان نامه روتردام ۲۰۰۸ صادر شد، این مقررات مسئولیت حامل دریایی و بازگردانی تعادل قرارداد حمل و نقل را معالجه کرد. از طریق چنین قانونی، مشخص شده است که برای انجام مسئولیت حمل و نقل دریایی میبایست قوانین اساسی را فراهم ساخت که بر آن اساس کار کنند چراکه بدلیل وجود خطاهایی در حین انجام حمل و نقل انجام می‌پذیرد ضروری است و اگر این خطا سبب آسیب رساندن به باربرها یا گیرنده می‌شود و در نتیجه یک رابطه منفی بین خطا و آسیب ایجاد می‌کند. مسئولیت حمل و نقل دریایی به مقتضیات اصلاح مسئولیت با تاکید یا کاهش آن بستگی دارد. بنابراین تحمیل مسئولیت نیز مستلزم مقررات اجرایی است که وظیفه مسئولیت آن به عنوان یک مقام قانونی را دارا باشد که به موجب آن قانون به متضرراجازه می‌دهد تا از حقوق خود به قانون پناه ببرند. با این حال، با وجود مواردی که به آن درخصوص پیشرفت در زمینه ی تنظیمات قانونی حمل و نقل اشاره شده است، با این حال در قوانین بین المللی و داخلی شکاف‌هایی وجود دارند که نیاز به درمان و توسعه دارند که زمینه ی مشارکت را برای اشخاص مورد نظر و علاقه مند در این موضوع باز می‌گذارد.

* سیف فاضل کریم (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان مسئولیت مدنی در حقوق بین الملل دریایی آورده است:

حمل و نقل چند حالتی در کانتینرها از طریق روشها و اشکال مختلفی در عمل صورت می‌گیرد. با این حال، این عملیات، در پاسخ به نیاز فوری به یکسان سازی قوانین مسئولیت مربوط به آنها، توسط یک نفر به نام اپراتور حمل و نقل چند حالتی بین المللی یا متعهد حمل و نقل کالا علاوه بر حمل و نقل انجام می‌شود. تحت یک قرارداد کل ارز انتقال را پوشش می‌دهد. در این پژوهش حقوق بین الملل

دریانوردان چیست، همانطور که محقق در حین این مبحث تعریف قانون بین‌المللی دریاها و ویژگی‌های این قانون و همچنین منابع رسمی و غیررسمی آن را توضیح داد. در مبحث دوم با عنوان مسئولیت مدنی ناشی از انحراف در مسئولیت ناو دریایی، یعنی به ماهیت مسئولیت ناو، مبنای حقوقی آن، ماهیت حقوقی مقامات ناو دریایی و هرگونه مسئولیت ناو دریایی پرداخت. سپس فصل سوم را با عنوان حل و فصل اختلافات ناشی از مسئولیت مدنی مطابق با قانون بین‌المللی دریا مطالعه کرد و به دو بخش تقسیم شد: مبحث اول با عنوان گزینه‌های اختیاری و وسایل اجباری حل اختلافات دریایی و در آن به عنوان گزینه اختیاری حل اختلاف و روش اجباری حل اختلافات دریایی و حل اجباری اختلافات و استثنا در آندر فصل دوم، موضوع آشتی است، جایی که وی آن را تعریف کرد، و سپس آشتی اختیاری و آشتی اجباری. بخش سوم مربوط به اختیارات دادگاه در اختلافات دریایی است.

* عزیز صداقت (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان صلاحیت کشورهای ساحلی در رسیدگی به دعاوی حقوقی در منطقه فلات قاره آورده است:

کشورهای ساحلی فلات قاره و بلاخص واژه فلات قاره در سال ۱۹۴۵ وارد عرصه بین‌الملل گردید و هدف حقوق بین‌الملل ایجاد همبستگی در میان کشورهای ساحلی فلات قاره بود تا بتوانند تحت اصول و مقررات مدون در استفاده از منابع غنی دریاها چه از لحاظ غذایی و کشتیرانی و نفت و گاز بهره‌مند گردند و بتوانند از پس اختلافهای پیش آمده در تقسیم منطقه فلات قاره بدون مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری از طریق گفتگو و مذاکره به مشکلات فایق آیند و با افزایش مبادلات سیاسی و اقتصادی و کشتیرانی در سواحل کشورهای منطقه فلات قاره و آبهای آزاد مستلزم وجود افراد خیره در حوزه حقوق بین‌الملل را اجتناب ناپذیر کرده بطوریکه تا قبل از تشکیل کنفرانس ژنو در خصوص حقوق دریاقواعد حقوقی دریا عرفی بود که با تشکیل کنفرانس بصورت مدون در آمد که اولین کنفرانس در سال ۱۹۵۸ با شرکت ۸۰ کشور در ژنو برگزار که حاصل آن بوجود آمدن چهار توافقنامه بود دومین کنفرانس در سال ۱۹۶۰ دست‌آورد آنچنانی نداشت اما سومین کنفرانس به سال ۱۹۷۳ تشکیل که مدت ۹ سال به طول انجامید سرانجام با انعقاد

کنوانسیون ۱۹۸۲ در جامائیکابه نتیجه رسیدودر حقیقت قانون اساسی دریا به شمار آمدو حقوق دریاها مدون شدواز سوی دیگر ابهامات موجوددر تعاریف و تعیین حدود این منطقه دریایی که خود از تعارض نظرات کشورها مشارکت کننده درکنوانسیون بین المللی در زمینه حقوق دریاها نشات گرفته است باعث گردیده بود که کشورهای ساحلی منطقه فلات قاره و چگونگی رسیدگی به اختلافات آنها یکی از اساسی ترین موضوعات حقوق دریاها قرار گیردوباوجود آمدن کنوانسیون ۱۹۸۲وبا پیروی اعضاء از مقررات چهار عهد نامه حاصله که شامل تقسیم دریابه مناطق مختلف که دولت های ساحلی دارای حقوق و تکالیفی شدند و همچنین هر منطقه رژیم حقوقی مختص بخود را دارا شدندو باعث کاهش تنش در روابط کشورهای ساحلی گردید. *فاطمه ضغرا محمدپور (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان بررسی تطبیقی حقوق محیط زیست ایران با کنوانسیون های بین المللی در حوزه دریاها آورده است:

حوزه مسائل زیست محیطی آنچنان وسیع است که کل فعالیت های بشر در سراسر جهان را پوشش می دهد. دریاها و اقیانوس ها یکی از قلمروهای مهم محیط زیست به شمار می آید. استفاده از دریا به عنوان محلی برای دفع انواع آلودگی ها از جمله آلودگی ناشی از کشتیرانی، تخلیه مواد زائد، آلودگی ناشی از فعالیت های انسان در بستر دریا، آلودگی های نفتی، اتمی و هسته ای و آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی و سایر آلودگی هایی که به مرور روبه فزونی نهاده و تعادل محیط زیست دریایی را به شدت به مخاطره افکنده و فجایع زیانبار و غیرقابل جبرانی را به بار آورده، کشورها را بر آن داشت که برای جلوگیری از ایجاد آلودگی ها در دریاها و حفاظت از محیط زیست دریایی کنوانسیون های جهانی و منطقه ای متعددی را تصویب نمایند که به امضای دولت های متعاقد رسیده و متاثر از این کنوانسیون ها، دولت های عضو مکلف شدند نسبت به وضع قوانین و مقررات در حقوق داخلی (ملی) برای پیشگیری و جلوگیری و حفاظت از محیط زیست دریایی با شناسایی منابع آلوده کننده و ضابطه مند نمودن فعالیت های ناشی از منابع آلوده کننده و برخورد با مسئولان آلودگی در رابطه با خسارت وارده به محیط زیست دریایی، از یکسوبا تعیین مسئولیت حقوقی و مادی و از سوی دیگر با جرم انگاری و

مجازات عاملین و مسئولان آلودگی، در ایجاد محیط‌زیست سالم در حوزه دریاهاتلاش نموده و امنیت سلامت بشر را با پاسداری از حق حیات، حق سلامتی و حق بر محیط‌زیست سالم که امروزه استفاده و برخورداری از آن در زمره حقوقی است که در قالب نسل سوم حقوق بشر تجلی یافته است، تامین نمایند. قوانین محیط زیست دریائی ایران با کنوانسیونهای بین‌المللی اختلافات واشتراکاتی دارد. گرچه در اسناد بالادستی در حقوق محیط زیست ایران، قوانین بسیار مرفعی است ولی در قوانین عادی بنظر می‌رسد از استحکام کمتری نسبت به معاهدات بین‌المللی برخوردار است.

*سمیه رسول پورنالکیاشری (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان اصول و قواعد تحدید حدود مناطق دریایی در پرتو عرف، آرای قضایی و داوری آورده است:

حقوق بین‌الملل دریاهای در عصر حاضر با کارکردی دوگانه در روابط بین‌الملل از یک سو اقیانوس‌ها و دریاهای را به مناطق صلاحیتی چندگانه تقسیم نمود و از سوی دیگر همکاری بین‌المللی در این زمینه را با تدوین کنوانسیون‌های گوناگون تضمین نمود، در این میان اصول و قواعد تحدید حدود مناطق دریایی جهت جلوگیری از هرگونه تنازع و تهدید منطقه‌ای و بین‌المللی برای بهره‌مندی هرچه بهتر و بیشتر منابع و منافع آبی در سایه عرف، آرای قضایی داوری تبیین و توسعه یافت. با عنایت به سیاق حقوق بین‌الملل دریاهای و عدم وجود معاهده‌ای که تمامی دولت‌ها عضو آن باشند، قواعد عرفی عملی نقش مهمی در تبیین و تثبیت اصول و قواعدی همچون خط میانه، خط متساوی‌المسافت، اصل تناسب و روش خط عمود بر ساحل که همگی برگرفته از رویه دولت‌ها بوده ایفاء کرده است. دیوان بین‌الملل دادگستری در خلال چندین دهه فعالیت مستمر نقش بسیار حیاتی در شکل‌گیری قواعد حقوقی حاکم بر مناطق دریایی داشته و دارد؛ به طوری که می‌توان بیان داشت که بسیاری از اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تحدید حدود مناطق دریایی که در کنوانسیون ۱۹۸۲ گنجانده شده اند قواعدی هستند که قبل از آن در رویه قضایی بین‌المللی شناسایی، تبیین و یا ایجاد شده است. از سوی دیگر، دیوان بین‌الملل دریاهای نیز در قالب یک رکن قضایی-تخصصی با صدور رأی در حوضه‌ی

خلیج بنگال و تبیین مفاهیم جدیدی همچون منطقه خاکستری، نقش به سزایی در توسعه اصول و قواعد تحدید حدود دریاها داشته است. همچنین آرای داوری بین المللی و منطقه‌ای به عنوان یک روش قانونی غیرقضایی برای حل و فصل اختلافات در طول این مدت با تکیه بر رویه‌ی قضایی موجود و ایجاد رویه‌های نوین جایگاه ویژه‌ای در این زمینه داشته است. این رساله سعی دارد به عنوان یک تلاش علمی با ماهیت تحلیلی-توصیفی ضمن مطالعه‌ی تاریخی روند عرفی و بررسی آرای قضایی و داوری بین المللی نحوه‌ی پیشبرد و توسعه اصول و قواعد تحدید حدود مرزهای مناطق دریایی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. با این وجود مطالعه‌ی عرف عملی، آرای قضایی و داوری متعددی در این زمینه نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تعریف اصولی و ثابت از معیارهای تحدید حدود منصفانه مرزهای مناطق دریایی تاکنون ارائه نشده است.

❖ علی‌عالمی در تحقیقی با عنوان قراردادهای بین المللی توسعه مشترک در کشف و بهره‌برداری از منابع مشترک نفت و گاز (۱۳۹۸) آورده است:

عبور منابع طبیعی نفت یا گاز از خطوط تحدید حدود دریایی و اشتراک این منابع بین دو یا چند کشور و یا استقرار آن‌ها در مناطق فاقد تحدید حدود دریایی، ممکن است موجب بروز اختلافات بین المللی و تهدید صلح و ثبات شود. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها از دولت‌ها می‌خواهد که در صورت عدم توافق در تحدید حدود، در قالب اقدامات موقت، تدابیر عملی را به کار گیرند. ضمن آنکه، بر اساس اصل لزوم حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، دولت‌ها باید براساس آیین‌های سیاسی یا حقوقی اختلاف مذکور را حل نمایند. هر چند رویه‌ی قضایی دیوان بین المللی دادگستری و داوری‌های بین المللی، حل و فصل چنین اختلافات‌ی را بیشتر در طی مباحث مربوط به تحدید حدود مدنظر قراردادها اند، اما توجه به رویه‌ی قضایی بین المللی، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اصل مطلوب در بهره‌برداری از این منابع، همکاری بین دولت‌ها و اجتناب از اقدامات یک جانبه است.

روش پژوهش

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی قواعد و مقررات مربوط به رژیم‌های حقوقی مرتبط و رویه دولت‌ها می‌باشد. این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و ابزار تحقیق در این پژوهش از طریق فیش برداری می‌باشد.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

تابعان حقوق بین‌الملل به عنوان بازیگران اصلی حوزه بین‌الملل نقش اصلی و کلیدی در تامین امنیت بین‌الملل را بر عهده دارند. امنیت به عنوان بستر اولیه هرگونه توسعه از ضروریاتی است که بازیگران به همان میزانی که نسبت به آن شناخت داشته باشند به همان میزان برایش هزینه می‌نمایند. هر قدر تابعان حقوق بین‌الملل نسبت به حقوق و تکالیف خود بیشتر آگاه باشند و نسبت به عواقب نقض‌های آن واقف باشند بدیهی است تنظیم رابطه بهتری میان آن‌ها صورت می‌پذیرد. عملکرد تابعان حقوق بین‌الملل به میزان شکل‌گیری، استقرار، حفظ نظم بین‌المللی و رعایت همه جانبه تعهدات آنان در عرصه حقوق بین‌الملل وابسته است. نقض تعهدات بین‌المللی، همانطور که در ماده ۱۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱ مقرر گردیده است، بدون توجه به منبع آن، معاهده، عرف و یا مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض تعهدات بین‌المللی را به همراه دارد. هر چند طبق ماده ۷۳ معاهده وین ۱۹۶۹، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از حیثه موضوعی این معاهده خارج می‌باشد، اما بررسی عهدنامه وین ۱۹۶۹ و طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)، تعامل بیش از پیش این دو سند مهم بین‌المللی را در راستای رعایت حقوق معاهدات و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را نشان می‌دهد. (جلالیان، عسکر، ۱۳۹۵) فعل متخلفانه بین‌المللی دولت هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل: الفا به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد. با نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود. (ابراهیم گل، علیرضا، ۱۳۸۸) در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در دعوی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، همانطور که در اختلاف (فک‌های خزهای روسیه)، در مورد

استفاده از معاذیر رافع مسئولیت، استناد به امر ضرورت در شرایط مخاصمات مسلحانه (منفعت اساسی که بایستی در برابر خطر جدی و قریب الوقوع محافظت می‌شد، محیط زیست طبیعی، ناحیه‌ای بود که تحت صلاحیت دولت خاص و یا تابع یک مقررات بین‌المللی نبود. به نظر دیوان، وصف متخلفانه بودن رفتار مغایر با یک تعهد بین‌المللی در صورتی زائل می‌گردد که رعایت این تعهد، مضر و مخرب باشد، در غیر اینصورت آسیب رساندن به محیط زیست، مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی را به همراه دارد. در مسائل مرتبط با حفاظت از منابع و محیط زیست، به دلیل ماهیت این حقوق، عدم قطعیت علمی سبب می‌گردد کارشناسان، نسبت به جدی و قریب الوقوع بودن خطر، نظرات مختلفی را اعمال نمایند. این امر امکان تحقق به یک نتیجه موثر و فوری در خصوص طرح مسئولیت دولت خاطی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پس از استناد به ضرورت در شرایط مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، نیازمند تحقق شرایط فوق بوده و آسیب رساندن به محیط زیست در غیر از شرایط مذکور، مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی را همراه دارد رعایت قواعد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، حقوق بشر، حقوق مخاصمات مسلحانه که جزء قواعد عرف حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردند و نقض این قواعد که ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام می‌باشند، از آنجایی که به دلیل ماهیت این تعهدات، این حقوق به همه دولت‌ها مربوط بوده و تمامی دولت‌ها دارای منفعت حقوقی در خصوص این تعهدات عام‌الشمول می‌باشند، می‌توان بیان داشت که حقوق محیط زیست جزء این قواعد محسوب گردیده و مسئولیت تمامی دولت‌ها را در راستای طرح دعوی و مطالبه غرامت در خصوص آسیب زمانی به این حقوق، به همراه دارد. در بیانیه پایانی کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲، حق انسان به داشتن محیط زیست سالم سرآغاز تحول جدیدی در حقوق بین‌الملل، در عرصه حقوق محیط زیست بین‌الملل را ایجاد نمود. در ماده اول این بیانیه، این حق، صراحتاً از مصادیق حقوق بنیادین قلمداد گردید و از این پس، حق به محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی مختلف مورد تأیید و شناسایی قرار گرفت. این اصل به عنوان نمونه در اصول ۱۴ تا ۲۴ منشور جهانی طبیعت، مصوب مجمع عمومی سازمان

ملل متحد، با هدف تعیین وظایف جهت انجام و اجرای اصول مربوط به حق به محیط زیست سالم برای دولت‌ها، نهادهای دولتی و گروه‌های انسانی بیان گردید. به علاوه در این خصوص می‌توان به اصول یک تا ده اعلامیه ریو ۱۹۹۲ که دارای همان قواعد است، نیز اشاره کرد. دولت‌ها با آگاهی مردم، تشویق جامعه مدنی برای مشارکت عمومی، ایجاد امکان دسترسی موثر شهروندان به مراجع قضایی و اداری، برنامه ریزی و قانونگذاری در سطح بین‌المللی و با رویکرد جهانی می‌توانند موثر واقع گردند. در این راستا می‌توان به اسناد بین‌المللی به شرح ذیل اشاره نمود: -
قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان ضرورت تضمین محیط زیست سالم برای بهزیستی هر فرد. (۱۴ دسامبر ۱۹۹۰)

- اصول مصوب کنفرانس وزرای اتحادیه اروپا. (۲۵ اکتبر ۱۹۹۵)

- اولین سند منشور آفریقایی حقوق بشر. (۱۹۸۱)

- ماده ۱۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر. (۱۹۹۸)

نبود ضمانت اجرایی کافی، این اسناد بین‌المللی الزام آور تلقی نمی‌گردند. تعهد دولت‌ها مبنی بر حفاظت از محیط زیست سالم در قوانین اساسی برخی کشورها درج گردیده است، اما این حق بدون پیش‌بینی مکانیسم‌های لازم جهت تضمینی نتوانسته است از ضمانت اجرایی کافی برخوردار گردد. مهمترین مسئله در برخورداری از محیط زیست سالم، اطلاع‌رسانی آن به شهروندان است. این شرط به صورت جامع در چارچوب کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا منجر به تصویب دو سند: الف اصول راهبردی صوفیا. (۱۹۹۵) به موجب ماده ۲ اصول راهبردی صوفیا، کلیه افراد حقیقی و حقوقی باید آزادانه بتوانند به اطلاعات زیست محیطی که تقاضا نموده‌اند، دست یابند بی‌آنکه رابطه‌ای میان آن افراد با دولت‌ها از لحاظ ملیت و.. باشد. حتی دولت‌ها موظف گردیده‌اند، افراد را بر حسب مورد از امکان ارسال شکایات یا گزارش برای مقامات و نهادهای بین‌المللی که دارای صلاحیت در این حوزه جرایم زیست محیطی می‌باشند، مطلع نمایند. با کنوانسیون بین‌المللی حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست مصوب ۱۹۹۸ دانمارک گردید. طبق کنوانسیون ۱۹۹۸ دانمارک نیز، که اولین سند لازم

الاجرا در حوزه بین المللی در خصوص حق دسترسی عمومی به اطلاعات زیست محیطی می‌باشد، تضمین رعایت اصول دموکراتیک در اتخاذ اجرای تصمیمات دولتی، اشاره گردیده است. این کنوانسیون بر دو مبنا پایه ریزی گردیده است : ۱- دسترسی عموم به اطلاعات زیست محیطی؛ ۲- امکان مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات مربوط به مسائل محیط زیست اصل حاکمیت دولت ها، تضمین کننده اجرای اصول و قواعد حقوق بین الملل محیط زیست می‌باشد، احراز مسئولیت ناشی از عمل متخلفانه بین المللی دولت ها، امری دشوار است، که این امر به دلیل ماهیت این جرایم و پراکندگی قواعد و قوانین موجود در حوزه حقوق بین الملل می‌باشد، لذا دولت‌ها همواره از اجرای مسئولیت خویش در حوزه این حقوق طفره می‌روند. (جلالیان، ۱۳۹۵)

مسئولیت دولت در قوانین داخلی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گرچه اصل حق بر محیط زیست سالم به صورت صریح قید نگردیده است، اما سیاق اصل ۵۰ به گونه‌ای است که می‌توان با ارائه تفسیر موسع، مفاد این حق را از محتوای اصل استنتاج نمود. به نظر برخی از حقوقدانان در حوزه حقوق محیط زیست، عبارات حفاظت محیط زیست، وظیفه عمومی و ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند، مندرج در اصل ۵۰ قانون اساسی را دال بر آن دانسته اند که قانونگذار اساسی با مفروض تلقی نمودن محیط زیست سالم که نسل امروز و نسل‌های آتی در آن می‌توانند حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند، به صورت ضمنی به عنوان حق پذیرفته است. بنابراین می‌توان گفت بر طبق قانون اساسی، همه افراد، حق برخورداری از هوای سالم و مقابله با آلودگی هوا را دارا باشند. در قانون مجازات اسلامی نیز برای افرادی که باعث تخریب محیط زیست گردند مجازات‌هایی را در نظر گرفته‌اند. (حسینی اکبرنژاد ۱۳۸۹). دعاوی مربوط به تخریب محیط زیست در کشور ایران دو گونه است: دعاوی که از جانب اشخاص عمومی اقامه می‌شود و دعاوی که اشخاص خصوصی آن را اقامه می‌کنند.

اشخاص عمومی که درباره جلوگیری از تخریب محیط زیست صلاحیت طرح شکایت دارند، عبارتند از: شهرداری‌ها، سازمان جنگل‌ها و مراتع و سازمان حفاظت محیط زیست. در مواردی اشخاص حقوق خصوصی نیز اعم از حقیقی یا حقوقی می‌توانند از مسئول یا مسئولان تخریب محیط زیست به یکی از نهادهای عمومی صالح شکایت کنند و یا اینکه خودشان به عنوان شاکی خصوصی اقامه دعوا کرده، علاوه بر تعقیب کیفری عامل تخریب، از باب اتلاف و تسبیب نیز جبران خسارت ناشی از جرم را تقاضا کنند. در مواردی نیز افرادی که سلامتی خود را در معرض خطر می‌بینند از واحد صنعتی موجد آلودگی و یا تخریب محیط زیست به یکی از نهادهای ذیصلاح عمومی شکایت و تقاضای رسیدگی می‌کنند. ویژگی این دعاوی در ذینفع بودن اشخاصی است که طرح دعوا می‌کنند و خسارت مستقیم یا غیر مستقیم تخریب محیط زیست به آن‌ها وارد می‌شود. با مراجعه به قوانین و مقررات گوناگون اعم از قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص زیست محیطی و یا عمومی و نیز مصوبات، دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های متعدد و مختلف موجود مشخص می‌گردد که اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی بر حسب مورد می‌توانند به دلیل تحمل صدمات و زیانهای جانی، مالی و یا وارده بر محیط زیست کشور به عنوان شاکی، مدعی خصوصی و یا هر دو جهت اقدام نمایند. بدیهی است که در این راستا، سازمان حفاظت محیط زیست ایران از نقش مهم تر و فراگیری نسبت به سایر اشخاص حقوقی برخوردار است و در بسیاری از این موارد، اقدام، نظارت، پیگیری و... به موجب ضوابط و مقررات قانونی بر عهده این سازمان گذارده شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد؛ اشخاص خصوصی اعم از افراد یا سازمانهای غیردولتی، دعاوی مبتنی بر منفعت عمومی را در مورد محیط زیست از طریق دیگر نهادها از جمله سازمان حفاظت محیط زیست می‌توانند پیگیری نمایند و دشوار است که خود به طور مستقل واجد صلاحیت طرح شکایت باشند یا شکایت آن‌ها مورد پذیرش قرار گیرد. اگرچه تعدد و ارتقای جایگاه سازمانهای غیردولتی زیست محیطی در سالهای اخیر، در جهت حمایت از محیط زیست و امکان طرح دعاوی منفعت عمومی، ممکن است گام موثری قلمداد شود (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۹).

نقش انجمن‌های زیست محیطی

بر طبق قانون خاص کشور فرانسه به انجمن‌های زیست محیطی تأیید شده، حقوقی اعطا شده است که آن‌ها را به عنوان یک نهاد مدنی به رسمیت شناخته است. قانون آئین دادرسی کیفری، فهرست حصری از این حقوق ارائه نکرده است، اما در ماده ۲ دو جنبه اصلی از این حقوق مطروح شده است. نخست؛ جنبه کیفری که بر طبق آن یک نهاد مدنی می‌تواند شروع یک تعقیب عمومی و اعمال ضمانت اجراهای کیفری را در خواست نماید و جنبه دوم که مدنی می‌باشد و بر طبق آن قربانی می‌تواند ادعای جبران خسارت مدنی برای ضرر و زیان وارده را بنماید. انجمن‌های زیست محیطی در صورت ارتکاب قطعی جرایم زیست محیطی ممکن است مبادرت به طرح شکایت برای جبران خسارت مدنی نمایند. ممکن است به نظر برسد که این شرط یک محدودیت کلی بر عملکرد انجمن‌های مزبور تحمیل می‌نماید و آن عبارت است از اینکه انجمن فقط بعد از طی فرآیند دادرسی کیفری و اثبات جرم، مجاز به طرح شکایت مدنی برای جبران خسارت می‌باشند. اما در روبه قضایی دادگاه‌های فرانسه حتی در مواردی هم که جرم کیفری ارتکاب نیافته است، برای انجمن‌های زیست محیطی حق طرح شکایت برای جبران خسارت به رسمیت شناخته شده است و در برخی پرونده‌ها به رغم عدم موفقیت در فرآیند رسیدگی کیفری، دعاوی مدنی به نتیجه نائل شده است. محیط زیست طبیعی فرانسه، اتحادیه اصلی انجمن‌های زیست محیطی در فرانسه می‌باشد که دعاوی متعددی را مطرح نموده است. روبه قضایی موجود نشان می‌دهد که انجمن‌های زیست محیطی بیشتر تمایل به طرح دعاوی مدنی در مقایسه با دعاوی کیفری دارند و امکان موفقیت آن‌ها نیز در این نوع دعاوی بیشتر می‌باشد. اکنون دادگاه‌های فرانسه با اعمال نظر دکترین، در دعاوی زیست محیطی انعطاف پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند. (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۹).

ضرورت توجه به معادن و انواع آن

معادن یکی از ارکان اساسی و حیاتی اقتصاد کشور محسوب می‌شوند. ایران با مساحتی حدود ۳۲ دهم درصد از کل مساحت کره زمین، دارای میلیاردها تن ذخایر

معذنی متنوع است. اقتصاد کشور ما از نظر اتکاء به منابع زیر زمینی و استفاده از منابع معدنی به عنوان وسیله تحصیل در آمد و صادرات مواد خام به کشورهای دیگر به گونه‌ای است که منجر به استخراج بی‌رویه معادن و فروش آن‌ها به قیمت نازل و چپاول و غارت منابع معدنی شده است. اموال طبیعی به دو دسته تجدیدشونده و تحلیل رونده تقسیم می‌شوند: منابع تجدیدشونده، منابع طبیعی و جنگل‌ها و آبها هستند که با مدیریت و استفاده صحیح قابل احیاء و تجدید پذیرند، اما منابع تحلیل رونده، معادن و ثروت‌های طبیعی هستند که به طور طبیعی به وجود آمده‌اند و هر چند هم صرفه جویی شود، سرانجام روزی تمام خواهد شد، این منابع دارای سه گونه جامدات (فلزات، زغال سنگ و گچ) و مایعات (نفت) و گاز (گازهای طبیعی است و خوشبختانه کشور ما هر سه نوع منابع را در اختیار دارد. امروزه در خصوص بهره برداری و استخراج معادن دو ضرورت حقوقی و اقتصادی وجود دارد الف - ضرورت توجه به منابع طبیعی تحلیل رونده و ذخایر ارزشمند معدنی و نظارت و کنترل مراحل اکتشاف و استخراج آن‌ها با توجه به نیازهای فعلی جامعه و نسل‌های آینده است. به علت بهره برداری بی‌رویه از برخی معادن، خطر اتمام آن‌ها و بی‌نسیب شدن آیندگان از این ثروت‌های خدادادی در آینده نه چندان دور وجود دارد. مضافاً اینکه از نظر عدالت اجتماعی معادن جزو ثروت‌های عمومی و متعلق به همه اتباع کشور بوده و اکتشاف و استخراج و امتیاز بهره برداری آن‌ها باید بر اساس عدالت و توزیع عادلانه منابع ثروت صورت پذیرد. ب - ضرورت توجه به نیازهای روز افزون جامعه و خودکفایی کشور از واردات و توسعه صادرات و شناسایی و اکتشاف منابع بکر و دست نخورده است که شاید تاکنون پای هیچ انسانی به آنجا نرسیده است. دامنه کوهها و عمق دره‌ها، پهنه دشت‌ها و کویرها، اعماق دریاها و مرداب‌ها در سرزمین پهناور ایران دارای معادنی است که خداوند بزرگ به منظور بهره برداری و استفاده نوع بشر آن‌ها را در دل زمین قرار داده است. نظام دولتی و خصوصی ایران به علت نداشتن دانش فنی، سرمایه، مدیریت منابع و به علت سوق یافتن سرمایه گذاری‌ها به سوی شغل‌های کاذب و نیز عدم جذب

سرمایه‌های خارجی و حتی ایرانیان داخل و خارج از کشور، قدرت شناسایی، اکتشاف و استخراج معادن را در حد مطلوب ندارد (کنعانی، ۱۳۸۹).

معادن و شمول آن بر انفال

انفال جمع مکسر نفل است. نفل در لغت زیاده، امتیاز، سود و ربح است. نام سوره هفتم قرآن کریم نیز انفال است. خداوند در آیه اول این سوره می‌فرماید: ((ای رسول ما، چون امت از تو حکم انفال را سوال کنند جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است.)) این آیه پس از جنگ بدر نازل شده و پیرامون غنائم جنگی صحبت می‌کند و به صورت قانون کلی یک حکم وسیع اسلامی را بیان می‌دارد. روایات واصله از طریق اهل بیت (ع) موید آن است که انفال اختصاص به غنائم جنگی ندارد چنانچه در روایت معتبر از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) چنین می‌خوانیم: ((انفال اموالی است که از دارالحرب بدون جنگ گرفته می‌شود و همچنین سرزمینی که اهلش آن را ترک کرده و از آن هجرت می‌کنند و آن فئی نامیده می‌شود و میراث کسی که وارثی نداشته باشد و سرزمین و اموالی که پادشاهان به این و آن می‌بخشند در صورتی که صاحب آن شناخته نشود و بیشه زارها، جنگل‌ها، درها و سرزمین‌های موات که همه اینها از آن خدا و پیامبر و بعد از او برای کسی است که قائم مقام او است و آنرا در هر راه که مصلحت خویش و مصلحت مردمی که تحت تکفل او هستند ببیند مصرف خواهد کرد. البته اراضی ساحلی، جبال خارج از ملک خصوصی مسلم و ذمی و هرچه در آنهاست اعم از سطح الارض و تحت الارض صفایای نبی (ص) یعنی برگزیده از اموال غنائم جنگی، غنائم جنگی که بی اذن معصوم (ع) صورت گرفته باشد. مصادیق دیگر انفال هستند که متعلق به مقام و منصب امامت است و از این جهت تصرف و حیازت آن نیاز به اذن امام دارد. (کامیار، ۱۳۸۶) برابر قانون اساسی، معادن جزو انفال و ثروت‌های عمومی دانسته شده است. پس باید دید که آیا معادن نیز در داخل مفهوم انفال می‌گنجد یا خیر؟ بر فرض که معادن از انفال نباشد، به عنوان منابع طبیعی خدادادی استخراج و تملک آنها توسط احیاء کنندگان مقدور است یا خیر؟ آیا دولت اسلامی می‌تواند با توجه به افزایش جمعیت استفاده عادلانه معادن را قانونمند

سازد؟ و حق عموم مردم نسبت به معادن چیست؟ در خصوص معادن و شمول انفال بر آنها، بین فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. در این باره سه عقیده فقهی وجود دارد؛ مشهور فقیهان عقیده بر مباح بودن معادن و عدم شمول انفال دارند. البته برخی از صاحبان این عقیده به شمول انفال بر معادن واقع در زمین‌های بدون صاحب هستند. برخی دیگر از فقیهان به طور مطلق معادن را جزو انفال دانسته و همه معادن ظاهری و باطنی را انفال و مال امام می‌دانند. عقیده سوم قائل به تفصیل بین معادن ظاهری و باطنی است. صاحبان این عقیده می‌گویند: معادن ظاهری از مباحث و متعلق به عموم مردم است، اما معادن باطنی با احیاء و اذن امام قابل تملک هست (کنعانی، ۱۳۸۹).

قانونگذاری در حوزه معادن

معادن جزو اموال عمومی محسوب می‌شوند و در مالکیت دولت به معنای عام هستند ولی این مالکیت بر خلاف مالکیت خصوصی، بیشتر از جهت اعمال حاکمیت، سلطه و اشراف دولت است تا اعمال حقوق مالکانه. به هر حال اصل ۴۵ قانون اساسی، معادن را جزو انفال و ثروت‌های عمومی دانسته و بنابراین مشمول مالکیت عمومی است. در خصوص معادن تاکنون قوانین مختلفی به تصویب رسیده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها قانون معادن مصوب ۱۳۶۲ و قانون معادن مصوب ۱۳۷۷ است. قانون سال ۱۳۷۷ ضابطه مالکیت را حذف کرده و معادن را به طور کلی تابع ضوابط حقوق عمومی دانسته است. حقوق دولت را اعمال حاکمیت و حقوق اشخاص را اعمال مالکیت توصیف

کرده است. برابر ماده ۲۲ قانون معادن سال ۱۳۷۷، اگر معادن مشکوفه در محدوده املاک دایر یا مسبوق به احیاء باشند، مجری عملیات باید پس از تأیید وزارت صنایع و معادن، اجاره یا بهای آن را بدون محاسبه مواد معدنی با قیمت روز برابر نظریه کارشناسی بپردازد. تنها امتیاز مالک این است که مالک در استخراج سنگ ساختمانی و سنگ تزئینی بر دیگران حق تقدم خواهد داشت. صدور پروانه اکتشاف و گواهی کشف به نام دارنده پروانه اکتشاف را پیش بینی کرده است. گواهی کشف

شامل: نوع ماده معدنی، کمیت، کیفیت، حدود مساحت و هزینه عملیات اکتشافی است. مواد معدنی همچون نفت خام، گاز طبیعی و مواد پرتوزا هر چند طبقه بندی شده اما از شمول این قانون خارج نشده است. پروانه بهره برداری و قرارداد استخراج از هم تفکیک نشده و به طور کلی به اشخاص خصوصی و عمومی پروانه بهره برداری داده می‌شود. بر خلاف قانون سابق که تابع قواعد معاملات خصوصی و انعقاد قرارداد استخراج با اشخاص بوده و بنابراین به نحوی مالکیت دولت و اختیار انعقاد قرارداد دولتی و ضوابط حقوق خصوصی قابلیت اعمال داشته، قانون جدید بیشتر تابع قواعد حقوق عمومی و حمایت از سرمایه گذاری افراد و حقوق مکتسبه آنان و احترام به حق اکتشاف و حق بهره برداری است. طبق این قانون، حقوق دولت از سطح یک مالک مطلق به سطح یک مرجع قانونی صدور پروانه و مجوز تقلیل یافته است به دلایل:

۱. برابر ماده ۲ قانون معادن ۱۳۷۷، مسئولیت اعمال حاکمیت بر عهده دولت است و این اعمال حاکمیت برای حفظ ذخائر معدنی، صدور اجازه فعالیت معدنی، نظارت بر امور توسعه فعالیت‌های معدنی، توسعه صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده، ایجاد اشتغال و افزایش سهم معادن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. اعمال حاکمیت مزبور مانع اعمال مالکیت اشخاص نخواهد بود. تعریف مزبور از اعمال حاکمیت تابع همان رویکرد کلی است که طرفدار کاهش نقش انحصاری دولت و کاهش تصدی گری دولت و توسعه فعالیت بخش خصوصی است.

۲. به موجب ماده یک قانون معادن، پروانه اکتشاف و پروانه بهره برداری و عملیات بهره برداری تعریف شده و وزارت صنایع و معادن مکلف است که در راستای شناسائی معادن و پروانه اکتشاف برای متقاضیان صادر نماید و این پروانه اکتشاف موجب استحقاق مکتشف برای دریافت گواهی کشف می‌شود. دارنده گواهی کشف ظرف یک سال می‌تواند، تقاضای پروانه بهره برداری نمایند و حق آن‌ها فقط در صورتی ساقط می‌شود که ظرف مهلت قانونی تقاضای صدور پروانه بهره برداری ننموده باشند. حق بهره برداری و صدور پروانه بهره برداری به دارنده پروانه اکتشاف داده می‌شود. بنابر این دولت به عنوان مالک مطلق معادن، قرارداد استخراج منعقد

نمی‌نماید، بلکه به عنوان اعمال حاکمیت، پروانه و مجوز بهره برداری صادر می‌کند. پروانه بهره برداری موجب ایجاد حق مکتسب برای دارنده آن می‌شود. این پروانه، سندی لازم الاجرا و قابل خرید و فروش و انتقال به اشخاص ثالث است.

۳. حقوق دولتی مندرج در بند ۱ ماده ۱۴ چیزی شبیه مالیات است و جنبه ثمن معامله و انعقاد قرارداد استخراج ندارد. در عین حال پروانه مزبور موجب ایجاد حق مکتسب برای عامل بهره بردار می‌شود. دولت نیز در راستای تکلیف تشویق سرمایه گذاری و حمایت از بخش خصوصی حقوق مکتسبه بهره برداری را محترم شمرد. البته در صورت اثبات عدم کارائی و عدم اجرای تعهدات مندرج در پروانه بهره برداری، دولت مهلت کافی به بهره بردار می‌دهد. شخص مذکور در صورت عدم اجرای تعهدات به پرداخت خسارت محکوم و یا فاقد صلاحیت تشخیص داده می‌شود. لیکن این فقدان صلاحیت پر اعتبار پروانه بهره برداری و حقوق مکتسبه بهره برداری اشخاص ثالث تاثیری نخواهد داشت.

۴. در خصوص سنگ‌های لاشه ساختمانی و سنگ‌های تزئینی مالک زمین حق تقدم داشته و در صورت اخذ پروانه اکتشاف از حقوق دولتی معاف و مالک معدن مکتشفه می‌شود. بنابراین، طبق قانون مزبور، معادن سنگ از اموال عمومی محسوب نمی‌شود مگر اینکه خارج از اراضی خصوصی افراد بوده و در محل زمین‌ها و اموال عمومی واقع شده باشند.

۵. از ویژگی‌های این قانون، عدم تبعیت مالکیت سطح زمین تا عمق عرفی از مالکیت لایه‌های زیر زمین است و مالکیت سطح زمین جز در مورد سنگ‌های لاشه ساختمانی و سنگ‌های تزئینی برای مالک زمین هیچ حق تقدمی ایجاد نمی‌کند حتی مالک سطح زمین ملزم است زمین را به صورت عقد اجاره به بهره بردار معدن واگذار نماید.

نتیجه گیری

مقامات ذی صلاح، ناظران و SRB باید دستورالعمل‌ها و بازخوردهایی را برای کمک به موسسات مالی و مشاغل و مشاغل غیر مالی تعیین شده در اجرای اقدامات ملی

برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، به ویژه در کشف و گزارش معاملات مشکوک، تهیه کنند. همانطور که در زیر توضیح داده شد، شرکت‌ها و مشاغل غیر مالی تعیین شده باید تابع مقررات و رویه‌های نظارتی باشند". کشورها باید تضمین کنند که انواع مختلف DNFBP تحت نظارت کافی و مکانیسم‌های انطباق با استانداردهای AML/CFT قرار دارند. این باید به روشی ریسک‌گریز انجام شود. این ممکن است توسط (الف) یک ناظر یا (ب) یک نهاد خودتنظیمی مناسب (SRB) انجام شود، تا زمانی که چنین نهادی بتواند تضمین کند که اعضایش به تعهدات خود برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم پایبند هستند. ناظر یا SRB همچنین باید (الف) اقدامات لازم را برای جلوگیری از اعتبار حرفه‌ای مجرمان یا شرکای آنها، داشتن یا مالکیت ذینفع منافع مهم یا کنترل‌کننده، یا داشتن یک وظیفه مدیریتی، به عنوان مثال، با ارزیابی افراد با استفاده از یک تست مناسب و مناسب؛ و (ب) تحریم‌های مؤثر، متناسب و بازدارنده برای مقابله با عدم رعایت توصیه ۳۵ در دسترس داشته باشد.

منابع و مآخذ

– نجفی‌اسفاد، خوری. (۲۰۱۲). *تأثیر بهره برداری اولیه، بر بازتعیین سهم کشورها از منابع طبیعی فرامرزی*. حقوقی بین‌المللی، ۴۷(۲۹)، ۸۹-۱۱۵.

References

- Bhat, S. (2022). *Natural resources conservation law*. SAGE Publications Ltd.
- Borgström, Suvi. (2021) "Reviewing natural resources law in the light of bioeconomy: Finnish forest regulations as a case study." *Forest policy and economics*.
- Butkevich, V. (2021). *Ural's Diamond in the Crown of International Legal Science (Contribution of Professor G. Ignatenko to the Development of Modern Science of International Law)*. Law Ukr.: Legal J.

- Debrah, A., & Mtegha, H. (Eds.). (2022). Mining Law and Economic Policy: Critical Perspectives and Challenges for Mining in Africa.
- Esoimeme, E. (2020). The FinCEN Files: How Anti-Money Laundering Procedures Can Identify and Reduce The Money Laundering Risks Facilitated Through The Purchase and Sale of Precious Metals, Precious Stones and Jewels. *Financial Regulation International*, December, 11-17.
- Goredema, C. (2021). Diamonds and other precious stones in armed conflicts and law enforcement co-operation in Southern Africa. *Institute for Security Studies Papers*.
- Hoogeveen, D. (2021). Sovereign intentions: Gold mining law and mineral staking in British Columbia. *BC Studies: The British Columbian Quarterly*, (198)
- Khayrutdinov, A. M. (2022). Current issues of mining activities on celestial bodies: International law aspects. In *Advances in the Astronautical Sciences* (pp. 895-902).
- Kuchin, O. S., & Poleschuk, O. V. (2021). Use of collections in investigation of crimes related to illegal turnover of precious stones and metals. *Law and Politics*, (12)
- Laitos, J. G., & Zellmer, S. B. (2021). *Natural Resources Law*.
- Lydersen, K. (2019). Pacific Rim and Beyond: Global Mining, Global Resistance and International Law. *Colo. J. Int'l Env'tl. L. & Pol'y*, 23, 367.
- Montpelier, D. J. (2018). Diamonds are Forever? Implications of United States Antitrust Statutes on international trade and the De Beers diamond cartel. *California Western International Law Journal*, 24(2), 6.
- Ndlovu, F. P. (2022). Private international law/conflict of laws and diamond trade. *Obiter*, 31(2), 372-395.
- Ooi, V. (2021). The anti-money laundering framework for precious stones and metals dealers in Singapore. *Journal of Money Laundering Control*.

- Rodríguez, C. M. L. (2021). International Law Challenges to Peruvian Mining Regulation. In *Social License and Dispute Resolution in the Extractive Industries* (pp. 111-136). Brill Nijhoff.
- Sander, Klas, Julian Lee, Valerie Hickey, Victor Bundi Mosoti, John Virdin, and William B. Magrath. "Conceptualizing maritime environmental and natural resources law enforcement—The case of illegal fishing." *Environmental Development* 11 (2014): 112-122.
- Saul, B. (2013). China, natural resources, sovereignty and international law. *Asian Studies Review*, 37(2), 196-214.
- Saul, Ben. "The status of Western Sahara as occupied territory under international humanitarian law and the exploitation of natural resources." *Global Change, Peace & Security* 27, no. 3 (2015): 301-322.
- Shaw, M. N. (2017). *International law*. Cambridge university press.
- Tedeschini, M. (2022). Unclosure: The international law of seabed mining and the systemic cycles of capital accumulation. *London Review of International Law*, 10(2), 265-292.
- Tumalevich, G. S. "Definition of the Criminal Law Nature of the Category Precious Stones." *Russ. Jurid. J.* (2002): 95.
- White, J. C., & Hamilton, E. G. (2021). The metal age of Thailand and Ricardo's Law of Comparative Advantage. *Archaeological Research in Asia*, 27, 100305.